

### کلمات مترادف

گران مایه: باارزش، گران بها

سلطان: پادشاه.....

توانگر: ثروتمند

درویش: تهیدر.....

مشقت: سختی، رنج

برهی: برهمناسی.....

مذلت: خواری، پستی، سرافکنندگی

صرف کردن: خرج کردن.....

باری: خلاصه، یک بار

### کلمات متضاد

توانگر  $\neq$  درویش

صیف  $\neq$  شتا

### کلمات هم‌خانواده

مشقت، مشق

مذلت، ذلت، ذلیل

خردمند: عاقل.....

زرّین: طلایی، از جنس طلا

به: بهتر

تفته: داغ، گداخته، گرم

امیر: پادشاه.....

صیف: تابستان

شتا: زمستان.....

خیره: گستاخ، لجباز، بی پروا

مذلت  $\neq$  سرافرازی

تفته، تفت، تفتان

سلطان، سلطه، سلطنت، مسلط، تسلط

دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو، نان خوردی.  
(دو برادر بودند که یکی از آن‌ها خدمتگزار پادشاه بود و دیگری از زور بازو و تلاش خودش روزی به دست می‌آورد.)

باری، تو آنکه گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟  
خلاصه، برادری که اوضاع مالی بهتری داشت و در خدمت پادشاه بود به برادرش می‌گوید: تو چرا خدمتگزار پادشاه نمی‌شوی تا مجبور نباشی این قدر سختی و رنج بکشی؟  
گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت، رهایی یابی که خردمندان گفته‌اند: نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرین بستن و به خدمت ایستادن.

برادر سخت کوش گفت: تو چرا کار نمی‌کنی تا از خواری و پستی خدمتگزاری نجات پیدا کنی؟ زیرا که انسان‌های دانا گفته‌اند نانی که از زحمت و تلاش خودت بخوری بهتر از کمر بند طلائی به کمر بستن و خدمت‌گزاری و نوکری کردن است.

به دست آهن تفته کردن خیر / به از دست بر سینه، پیش امیر

عمر گران مایه در این صرف شد / تا چه خورم صیغ و چه پوشم شتا

ای شکم خیره به نانی بساز / تا نکنی پشت به خدمت، دو تا

معنی بیت اول: با دست خودت آهن داغ را خیر کنی / بهتر از دست به سینه و گوش به فرمان پادشاه بودن است.

معنی بیت دوم: عمر ارزشمند ما در این راه تلف شد / که تابستان چه بخوریم و در زمستان چه پوشیم.

معنی بیت سوم: ای شکم لجاجز و گستاخ به اندک نانی راضی شو / تا کمرت را پیش کسی خم نکنی (بله قربان گوی کسی نباشی)

## بخوان و بدان



فعل، حال، یا، مضارع

★ آب سرد، برای شما خوب نیست.

★ دستور او را از روی علاقه اجرا می‌کنند.

فعل‌ها، در جملات بالا، زمان حال، را نشان می‌دهند. به فعل «حال، یا مضارع»، نمی‌توان واژه‌ی (دیروز) را اضافه کرد.

(دیروز) دستور او را اجرا می‌کنند. ← معنی نمی‌دهد.



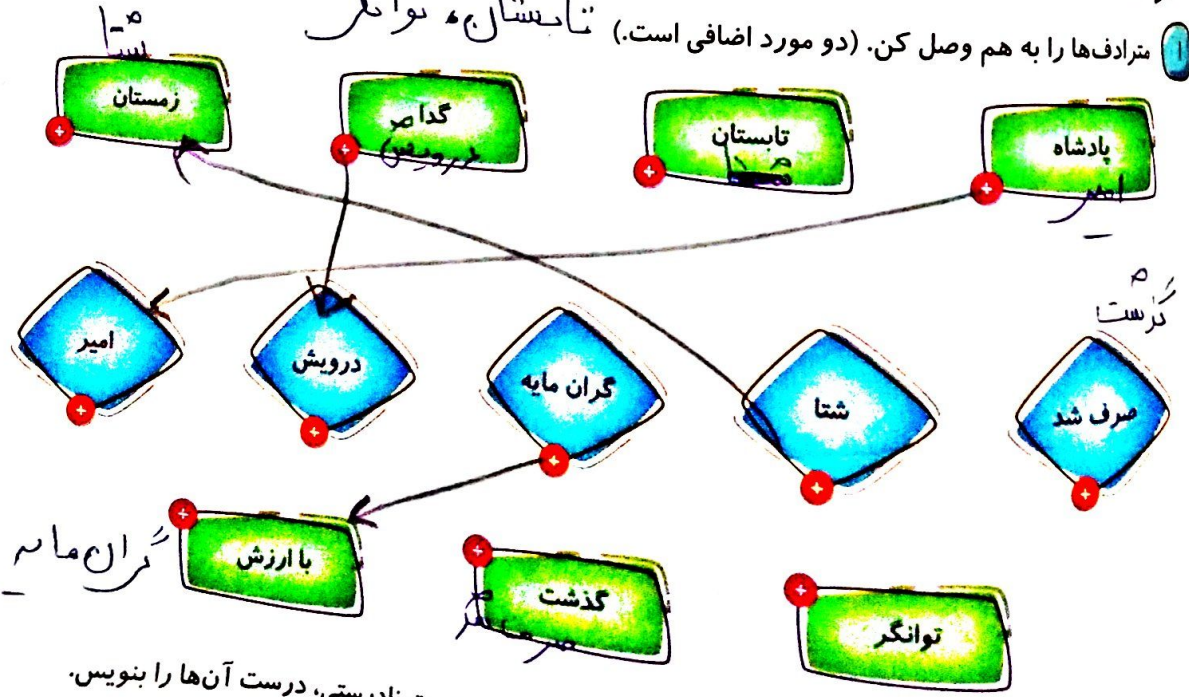
پاراهای تقویت املا ساختن واژه‌های مناسب با نشانه‌هایی مانند ص، ض، ذ، غ، ق و ... است.  
 الف: (واژه با نشانه «ص») حاصل، صیف، صرف شد.  
 الف: با توجه به متن درس حکایت «عمر گران‌مایه» در جدول زیر، برای هر یک از نشانه‌ها، واژه مناسب بنویس.

ت	ذ	ق	ز	هـ
نشانه	مذلت	مصطفی	زین	همه
			برهی	امین

ب: غلط‌های املائی به کار رفته در عبارت زیر را درست کن.  
 باری، توان گر گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن به رهی؟  
 توانگر مصیبت برهی

تمرین

مترادف‌ها را به هم وصل کن. (دو مورد اضافی است). تابستان، توانگر



۱. درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.
- درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.
  - الف: عبارت «چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی» توصیه به راحت‌طلبی می‌کند.
  - ب: در مصراع «ای شکم خیره به نانی بساز، بساز» یعنی «خلق کن».

جاهای خالی را پر کن.

۳

به دست آهن نضتہ کردن خیر

به از دست بر سینہ، پیش

عمر گران مایہ در این صرغ لدر

تا چه خورم صیفا و چه پوشم لستا

ای شکم خیره به نائن بساز

تا کنی پشت به حرمت دوتا

فعل‌های گذشته و حال را در هر عبارت مشخص کن.

۴

نرمته